

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۷ می ۲۰۱۳

دولت و پولیس سویدن

مسئول اصلی اعتراضات جوانان حاشیه نشین اند!

اعتراضات اخیر در سویدن در روز یکشنبه ۱۹ می ۲۰۱۳ در «هوسبی»، منطقه ای در شمال شهر استکهلم آغاز شد. جرقه عصیان جوانان هوسبی، در اعتراض به کشتن یک مرد ۶۹ ساله توسط مأموران پولیس زده شد. پولیس سویدن اعلام کرد که فرد مقتول با قمه قصد حمله به مأموران را داشته و مأموران پولیس تنها برای حفاظت از جان خود مجبور به تیراندازی شدند. بنا به گفته همسایه های این مرد، ادعای پولیس واقعیت ندارد. چرا که اگر واقعا پولیس می خواسته در مقابل مرد قمه به دست از خود دفاع کند می توانست تیری به پای وی بزند نه این که با چهار گلوله او را به قتل برساند. هوسبی، یکی از محلات در حومه استکهلم است که تعداد زیادی آپارتمان های ارزان قیمت برای متقاضیان کمدرآمد در دهه ۷۰ میلادی در آن جا ساخته شد. بنا به تخمین مسؤولان سویدی، ۸۰ درصد ساکنان این منطقه دارای پیشینه مهاجرت هستند. جمعیت هوسبی، حدود ۱۲ هزار نفر برآورد می شود. میزان بی کاری جوانان در هوسبی بسیار بالاتر از میانگین نرخ بی کاری در سویدن است.

من در شب چهارشنبه ۲۲ می ۲۰۱۳، در حاشیه تظاهراتی که در هوسبی برگزار شده بود با تعدادی از ساکنان این محله، به خصوص با روزنامه نگاری که وقایع را از نزدیک و دقیق تعقیب کرده است گفت و گو کردم. ایشان این واقعه را به این شکل توضیح دادند که این مرد مست بوده و با همسر خود راهی خانه اش بود که بین وی و دو نگهبان بگو مگو صورت می گیرد. آن ها وارد منزل شان می شوند و مرد از بالکن منزلش به آن ها چاقو نشان می دهد. پس از مدت کوتاهی چند پولیس در خانه این مرد را می زنند. همسر این مرد به آن ها می گوید که بروند چون هیچ اتفاقی نیفتاده است. اما پولیس به زور در را باز می کند و به درون خانه گاز اشک آور یا نارنجک دودزا پرتاب می کند. در این لحظه همسایه ها می گویند با صدای شلیک دو گلوله از خواب می پرند و پس از گذشت لحظاتی، صدای دو گلوله دیگر نیز شنیده می شود. پولیس اعلام می کند که او را زنده به بیمارستان برده اند. در حالی که همسایه ای عکس می گیرد و آن را به روزنامه نگار می دهد. این عکس نشان می دهد که جنازه این مرد را ساعت ۳ صبح از خانه بیرون برده اند.

شب اول، خواست اصلی معترضان منطقه «هوسبی» در حومه استکهلم و منطقه عمدتاً خارج نشین، در اعتراض به این جنایت هولناک پولیس بوده است. اما پولیس ها با نثار جملات راسیستی به آن ها حمله ور می شوند. پولیس معترضان را

که عمدتاً جوانان بودند مورد ضرب و شتم قرار می دهد. ساکنان محلات حاشیة استکهلم پولیس را به رفتار نژادپرستانه متهم می کنند و می گویند پولیس به نوجوانان، بی احترامی کرده و آن ها را «میمون» خوانده است. این تهاجم پولیس، سبب می شود که اعتراض جوانان شکل خشونت باری به خود گیرد و برخی از آن ها به اماکن عمومی و ماشین ها آسیب برسانند. برخی از جوانان رنگین پوست این محله می گویند پولیس با الفاظ نژادپرستانه ای چون «کاکاسیاه» آن ها را مورد خطاب قرار می دهد. بسیاری از فعالان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برابری طلب، پولیس سویدن را به استفاده از ادبیات نژادپرستانه را محکوم کرده اند.

در این میان موضع گیری نخست وزیر سویدن که آمرانه و تهدیدآمیز بود بیش تر جوانان معترض را تحریک کرد. فردریک راینفلت، نخست وزیر سویدن اعتراض جوانان را خشونت آمیز نامید و آن را محکوم کرد. او گفت گروهی از جوانان بر این باورند که می توانند جامعه را با خشونت تغییر دهند اما این افراد باید بدانند که خشونت نمی تواند بر جامعه حکومت کند. او گفته است که همه باید برای برقراری آرامش در پایتخت تلاش کنند. نخست وزیر سویدن تأکید کرده که آتش زدن خودروها، مصداق آزادی بیان نیست بلکه خرابکاری است.

البته تجربه تاریخی در سویدن و کشورهای دیگر نشان داده است هنگامی که اعتراضات مردمی راه می افتد برخی نیز خشمگین ترند و صدماتی هائی نیز به اماکن عمومی و غیره می زنند. اما برخی گروه های راست و حتی خود پولیس به اماکن عمومی آسیب می رسانند و ماشین ها را به آتش می کشند تا حقانیت خواست ها و مطالبات معترضان را از بین ببرند و آن ها را محکوم کنند. هم چنین افکار عمومی را از واقعیت های جامعه به سوی مسایل دیگر منحرف سازند. این مسأله را در نحوه خبررسانی رسانه های رسمی و اظهارنظر سخن گویان پولیس و میزگردها می توان به سادگی در رابطه با اعتراضات اخیر حاشیه نشینان سویدن دید.

این شورش جوانان ساکن «هوسبی»، بلافاصله به دیگر محلات حاشیه نشین استکهلم مانند هوسبی، شیستا، تنسا، رینگی، فیتیا، وربی، نرشبوری، یاکوبزبرگ، فلمینگزبرگ و شرهولمن و حتی برخی شهرهای دیگر نیز کشیده شد، آشکارا نشان دهنده این واقعیت است که در این محلات انبوهی از مشکلات و معضلات هم چون تبعیض و نابرابری، برخوردهای خشونت بار پولیس و برخوردهای تحقیرآمیز آن ها با جوانان، روی همه تلنبار شده اند. جوانان معترض با چوب و سنگ در مقابل تعرض پولیس و سایر نیروهای دولتی مقاومت می کنند. چرا که مقامات دولتی به جای این که به عمق مشکلات و معضلات آن ها و اختصاص خدمات عمومی و امکانات به این محلات توجه کنند؛ امکانات بیشتری به بهداشت عمومی این مناطق، مدارس و غیره اختصاص دهند؛ سطح اشتغال را ارتقاء دهند؛ برای نوجوانان و جوانان خانه های فرهنگی بسازند و... در تلاش اند این بحث را به مسأله خارجی ها و داخلی ها تبدیل کنند. در حالی که این مسأله ریشه در سیاست های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دولت سویدن دارد و مسأله خارجی و داخلی نیست. به علاوه هر چند ساکنان مناطق حاشیه نشین خارجی تبار هستند اما بسیاری از این جوانان در این محلات متولد شده و بزرگ شده اند هم چنان در زندگی خود مستقیماً این نابرابری ها و تبعیضات و سیاست های تبعیض آمیز احزاب و سازمان ها و دولت های راست را تجربه کرده اند.

خبر و دلایل شورش جوانان هوسبی، در رسانه های داخلی سویدن و خارجی انعکاس وسیع یافته است. گفته می شود نیروهای پولیس ویژه به استکهلم اعزام شده اند. یک سخن گوی پولیس به بی بی سی گفته است این مأموران پولیس آموزش های ویژه دیده اند و از شهرهای گوتنبرگ و مالمو اعزام می شوند. این دو شهر در سال های اخیر شاهد شورش هائی بوده اند.»

استیون ایونس، خبرنگار بی‌بی‌سی در استکهلم، گفته که این شورش‌ها تردیدهایی درباره موفقیت سیاست‌های سوئد در روند مهاجرپذیری و تلاش برای جذب فرهنگی ساکنان غیربومی مطرح کرده است. حدود ۱۵ درصد از جمعیت سوئد را ساکنانی تشکیل می‌دهند که در این کشور متولد نشده‌اند.

روزنامه لوفیگارو، نوشته است: شصت درصد مردم در هوسی در حومه استکهلم، خارجی هستند و شانزده درصد جوانان این منطقه بی‌کار هستند. این روزنامه، نوشت عناوین اصلی روزنامه‌های پایتخت ثروت مند سوئد، درباره شورش‌های اخیر ظاهراً مردم را نگران نکرده است اما با حرکت به سمت شمال غربی استکهلم آثار خشونت‌ها مشاهده می‌شود. البته آثار خشونت و آشوب به مراتب کم‌تر از شورش حومه‌ها در فرانسه یا انگلیس است.

یک مرد سوئدی سی و چهار ساله، به خبرنگار فیگارو، گفته است: جوانان مناطق حومه نشین، پس از پایان دبیرستان یا دانشگاه به علت آن که در محلات فقیر زندگی می‌کنند یا نام‌هایشان با زبان سوئدی بی‌گانه است شغلی پیدا نمی‌کنند. کارفرمایان تمایلی به استخدام ساکنان محلات فقیرنشین ندارند.

مهاجرت، نژادپرستی و افزایش نابرابری‌ها در مدت چند روز به موضوع اصلی اخبار سوئد تبدیل شد، در حالی که این کشور عادت به چنین خشونت‌هایی نداشت.

اوا آندرسون، پژوهش‌گر دانشگاه استکهلم می‌گوید: این حومه‌ها همانند فرانسه تبدیل به شهرک‌هایی جدا از جامعه شده‌اند. مردمی که در این محلات زندگی می‌کنند احساس می‌کنند هیچ آینده‌ای ندارند. خود را مطرود احساس می‌کنند و دست‌کم از لحاظ جغرافیایی این مسأله حقیقت دارد. مهاجران در خانه‌هایی قدیمی که در دهه‌های هزار و نهمصد و شصت برای طبقه متوسط سوئد ساخته شد زندگی می‌کنند در حالی که سوئدی‌ها تمایلی به سکونت در این خانه‌ها ندارند.

امروزه حدود شصت درصد جمعیت هوسی خارجی‌اند و بیش از صد و ده ملیت مختلف در آن زندگی می‌کنند. نرخ بی‌کاری شهر به شانزده درصد می‌رسد در حالی که نرخ بی‌کاری در سطح ملی به شش درصد می‌رسد.

به گفته یکی از حومه‌نشینان، بی‌کاری به خصوص در میان جوانان مانند یک بمب ساعتی در سوئد عمل می‌کند. والدین این جوانان هنگامی که وارد سوئد شدند خواسته‌ای نداشتند و در جماعت خود زندگی می‌کردند و شکایتی نمی‌کردند. اما فرزندان آن‌ها که امروزه به سن جوانی رسیده‌اند به زبان سوئدی تکلم می‌کنند و ملیت سوئدی دارند. آن‌ها درک نمی‌کنند چرا همانند دیگران به آن‌ها رفتار نمی‌شود. البته این وضع بی‌شبهت به وضع فرانسه نیست.

هم‌چنین به گزارش «گاردین»، در سومین روز این اعتراضات یک ایستگاه پولیس در «پاکوبسبری» در شمال غرب استکهلم، مورد حمله معترضان قرار گرفت، به دو مدرسه آسیب رسید و هم‌چنین مرکز هنر و صنایع دستی این شهر به آتش کشیده شد.

«کیل لیندگرن» سخن‌گوی پولیس استکهلم، در این مورد گفت: ۸ نفر در روز سوم اعتراضات بازداشت شدند اما گزارشی از مصدومان دریافت نکرده‌ایم. حدود ۳۰ اتوموبیل نیز در جریان اعتراضات به آتش کشیده شده است.

گاردین، در گزارش خود، اضافه می‌کند شورش در یکی از ثروت‌مندترین پایتخت‌های اروپا که به عدالت اجتماعی خود و هم‌چنین مقابله با بی‌کاری جوانان و جلوگیری از هجوم مهاجران خارجی می‌بالد مقامات شهر استکهلم را شوکه کرده است.

پس از گذشت دهه‌ها از «مدل سوئدی» رفاه و سخاوت مندی، نقش دولت سوئد در این زمینه کاهش یافته است و این کشور شاهد رشد سریعی در بی‌عدالتی‌های اقتصادی است.

علی‌رغم داشتن استاندارد زندگی بالا در بین کشورهای اروپایی، دولت سوئد در کاهش دادن فقر و بی‌کاری طولانی مدت جوانان این کشور ناموفق بوده است.

گاردین، نوشت: جوانان استکهلم به علت مشکلات اقتصادی، از ۳ روز قبل دست به اعتراض زده اند که رفتار خشن و اهانت آمیز پولیس با معترضان آتش این اعتراضات را شعله ور کرده است.

خبرنگار شبکه تلویزیونی روسیه گفت، بی کاری شدید در میان جوانان سوئدی باعث نومی و دل سردی آنان شده و صدها تن از ایشان را واداشته به تظاهرات خسونت بار در پایتخت این کشور دست بزنند. به گزارش شبکه تلویزیونی راشا تودی، پیتر اولیور، خبرنگار این شبکه طی گزارشی از استکهلم درباره شورش های سوئدین گفت، یکی از صلح آمیزترین پایتخت های اروپائی در حال تجربه شدیدترین خسونت ها در سال های متمادی اخیر است. صدها تن از تظاهرکنندگان خشمگین که اغلب از مهاجران هستند، در حومه استکهلم در خلال چند شب گذشته، خودروها را به آتش کشیده و شیشه ها را شکسته اند.

رهبران اجتماعی تلاش دارند جوانان را قانع کنند تا مگر از شورش و اغتشاش گری دست بردارند. ناآرامی های استکهلم که از روز یکشنبه آغاز شده کماکان ادامه دارد. گفته می شود، مسبب اصلی که جرعه این شورش ها را زده، شلیک پولیس سوئدین به مردی شصت و نه ساله و کشتن وی بوده است. پولیس که این مرد را در آپارتمانش کشته، اعلام کرده که او ساطوری در دست داشته و نیروهای پولیس را تهدید به قتل کرده بوده است.

رهبران اجتماعی در حومه استکهلم، بخشی از علت گسترش سریع این خسونت ها را بی کاری شدید در مناطق فقیر و مهاجرنشین در حومه پایتخت سوئدین عنوان کرده اند. این منطقه، فاصله چندانی با مرکز استکهلم ندارد.

خبرنگار افزود، هرچند نرخ بی کاری در سوئدین، کم تر از میانگین نرخ بی کاری در اتحادیه اروپا است، نرخ بی کاری در میان جوانان سوئدی حدود بیست و پنج درصد است. یعنی تقریباً یک چهارم از جوانان زیر بیست و پنج ساله سوئدی بی کار هستند که رقمی قابل توجه است. اکثر تظاهرکنندگان عصبانی که به خسونت دست می زنند نیز از جوانان نوجوانان سوئدی هستند.

دهه هاست که دولت های وقت سوئدین در مقطع انتخابات از جمله وعده می دهند که حاشیه نشینی را کاهش دهند و به این مناطق برسند تاکنون نه تنها عملی نشده است، بلکه آمارها نشان می دهند که حاشیه نشینی در سوئدین، هم چنان در همان سطح بالا در حال گسترش است؟! آمار مقطع انتخابات سال ۲۰۰۶ نشان می داد که آمار شهروندان حاشیه نشین، بیش از یک و نیم میلیون نفر است. اکنون بی تردید این آمار بسیار بالاتر هم رفته است. امنیتی کردن و تجمع پولیس در این مناطق نه تنها دردی را دوا نمی کند، بلکه سیاستی به غایت غلط و راست و تحریک آمیز و بسیار خطرناک برای کل جامعه سوئدین دارد! در چنین شرایطی، فرد حاشیه نشین، نگاهی حساس و انتقادی و معترض به محیط خود پیدا می کند. اکثر خانواده های حاشیه نشینی شغل رسمی برای تأمین معاش خود ندارند و چون این افراد عموماً فاقد مهارت و تخصص و سرمایه گذاری می باشند به مشاغل ناامن روی می آورند. فقر و ناتوانی یا عدم تمایل بازار رسمی اقتصاد شهر، به جذب حاشیه نشینان، آنان را به بازار فعالیت های غیررسمی می کشاند.

هم چنین در مناطق حاشیه نشین خرده فرهنگ های خاص مناطق کوچک هر يك از خانوارها که قبلاً ساکن آن بودند مشاهده می شود. اجتماعاتی در این مناطق شکل می گیرد که بسیار دیر جذب جامعه جدید می شوند. و این امر و نیز فقر فرهنگی افراد امکان نفوذ از نظر فرهنگی و اجتماعی را در آن ها برای اجرای برنامه های مختلف اجتماعی، چون بهداشت و تنظیم خانواده، آموزش، رفتار و غیره مشکل می کند.

برنامه های دولت و تبلیغات رادیویی و تلویزیونی و دیگر رسانه ها، در مدارس، محله ها، انجمن ها، احزاب و سازمان ها و غیره سبب شد که چندین سازمان با سیاست های راسیستی و نژادپرستی و خارجی ستیزی در جامعه سوئدین فعال شوند. این نو تبلیغات و سیاست ها به حدی مؤثر بود که حزب نژادپرست «دموکرات های سوئدین»، که تا قبل از انتخابات

اخیر هیچ کرسی در پارلمان سویدن نداشت در انتخابات سال ۲۰۱۰، برای اولین بار توانست در مجلس سویدن نماینده داشته باشد؛ مسأله ای که بسیاری از شهروندان آگاه و برابری طلب سویدن را شوکه کرد. به این ترتیب، تحقیر مهاجران و خارجی تباران، پناه جویان و برخوردهای راسیستی با آن ها با هدف به انزوا راندن مهاجران، از اعمال و اقدامات پنهان وارد دولت و پارلمان سویدن، بازار کار و غیره شد و شرایط زندگی را برای مهاجران دشوارتر کرد و از سوی دیگر، سیاست های پناهنده پذیری سویدن را به سطح نازل تری رساند.

حزب فاشیستی «دمکرات های سویدن» ۵/۷ درصد آراء و ۲۰ کرسی پارلمانی کسب کرد. در سویدن این بالاترین میزان رأی به یک حزب فاشیستی در انتخابات پارلمانی است. حزب محافظه کار «مدرات»، با افزایش رأی توانست پست نخست وزیری را حفظ کند و دولتی اقلیت بلوک راست را تشکیل دهد. به این ترتیب، حزب راسیستی دمکرات های سویدن برای اولین بار وارد پارلمان سویدن شد که این یک موفقیت بزرگ برای آن ها محسوب می شود.

ورود این حزب راسیستی و خارجی ستیز به پارلمان سویدن، تأثیر زیادی در تشدید سیاست های راست و راسیستی دولت و پولیس سویدن داشته به طوری که سال گذشته پولیس سویدن براساس طرحی به نام «REVA»، به شکل چندش آور و تحقیرآمیزی در ایستگاه های مترو در استکهلم خارجیان را کنترل می کرد تا پناه جویان مخفی را شکار کند که با اعتراض افکار عمومی روبه رو شد و عقب نشینی کرد. بیل سترم، وزیر اداره مهاجرت سویدن از حزب مدرات نیز همان سیاست های راسیستی و خارجی ستیز حزب دمکرات های سویدن را نمایندگی می کند.

سخنگوی قضائی حزب دمکرات های سویدن Richard Jomshof گفته است که باید در مناطقی که دست خوش نازاری و آشوب شده، وضعیت فوق العاده و منع عبور و مرور یا حکومت نظامی برقرار شود. او، مشترکاً با سخنگوی پیشین قضائی این حزب Kent Ekeroth مقاله ای در Avpixlat یکی از سایت های طرفدار حزب دمکرات های سویدن منتشر کرده است. آن ها نوشته اند که با ایجاد شرایط نظامی و ممنوعیت رفت و آمد، پولیس می تواند تمام کسانی را که در خارج از منازل خود هستند، بازداشت کند.

این نژادپرستان، هم چنین نوشته اند که پولیس باید برای خنثی کردن و جلوگیری از کسانی که به پرتاب سنگ یا بمب های آتش زان اقدام می کنند، با گلوله های پلاستیکی، گاز اشک آور و ماشین های آب پاش برخورد کند. آن ها، ضمن تأکید بر این که پولیس باید با خشونت با این افراد روبه رو شود، خواستار دستگیری آن ها شده اند، نوشته اند که از دستگیرشدگان، کسانی که شهروندان غیرسویدی هستند، وضعیت شان برای اخراج از سویدن مورد بررسی قرار گیرد.

آن ها در مقاله خود نوشته اند که در درازمدت باید مهاجرت انبوه و تکثر فرهنگی برچیده شود. پس از انتشار این مقاله، روزنامه داگنس نی هیتز با Richard Jomshof تماس گرفت و او به دفعات تأکید کرد که این مقاله تنها به چاره اندیشی های ممکن می پردازد، اما پولیس باید امکان داشته باشد که از تمام نیروی خود استفاده کند. این مقاله در روزنامه سونسکا داگ بلادت نیز بازتاب یافته است.

قبل از این ها، یک عضو حزب مدرات نیز در فیس بوک خود، با انتشار یادداشتی خواهان اخراج پدر و مادر جوانان شورشگر از سویدن شده بود.

با همین سیاست های راسیستی بود که دولت پولیس ویژه را از شهرهای مالو و گوتنبرگ به استکهلم آورده است. پولیس هائی که در سرکوب اعتراضات جوانان حاشیه نشین آموزش دیده و با تجربه اند. اکنون آن ها در مناطق مهاجرنشین استکهلم مستقر شده اند و به تهدید و تعقیب و دستگیری جوانان معترض دست می زنند. البته این سیاست های پولیسی مسکنی بیش نیست و دیر و یا زود باز هم ما شاهد اعتراضات در این مناطق خواهیم شد.

سیاست های بیش از دو دهه احزاب سوسیال دمکرات و محافظه کار، سبب شده است که فاشیست ها، به زور رسمی وارد پارلمان سویدن شوند. محدود کردن خدمات اجتماعی، محدود کردن اماکن جوانان، کاهش هر چه بیشتر بیمه و مرخصی بیماری، محدود کردن خدمات درمانی و بهداشتی، محدودیت برای خدمات مدارس و مهد کودک ها، خدمات سالمندان و معلولان و...، بخشی از این سیاست ها است.

به این ترتیب، اختلاف طبقاتی و سطح درآمد مردم در سویدن، هم چنان رو به افزایش است. در طول بیست سال گذشته، ده درصد جمعیت کشور که دارای بیش ترین درآمد بوده اند از ۷۶ درصد امکانات بهره برده اند، در حالی که ده درصدی که کم ترین درآمد را داشته اند، تنها توانسته اند از ۷ درصد این امکانات استفاده کنند. این نتیجه تحقیقی ست که مرکز آمار سویدن SCB انجام داده و در روزنامه سونسکا داگ بلادت چاپ شده است.

Tapio Salonen استاد جامعه شناسی در مدرسه عالی مالمو، معتقد است که اختلاف سطح درآمد، یک مشکل بزرگ اجتماعی ست و باعث افزایش نابرابری در جامعه شده است. وی، رشد فقر و افزایش اختلاف طبقاتی را بسیار نگران کننده دانسته و نسبت به پی آمدهای آن هشدار می دهد.

آرنه جوهانسون، از چهره های شناخته شده در هوسبی، به رسانه ها گفته است: ما سال هاست در خصوص وضعیتی که به خاطر سیاست های جدید لیبرال به ناآرامی های اجتماعی منجر می شود و به حالت انفجار رسیده است هوشدار داده ایم.»

تمرکز ثروت در دست قشرهایی با درآمدهای بسیار بالا، بخشی از افزایش اختلاف درآمدها است. سطح نابرابری در جهان بسیار متفاوت است. اقتصادهای نوظهور در قیاس با کشورهای ثروت مند نابرابرتر هستند.

می گویند از سال ۲۰۰۰ میزان فقر در بسیاری از کشورهای اروپایی افزایش یافته و به طور مشخص در میان اعضای اتحادیه اروپا، میزان جمعیتی که زیر خطر فقر زندگی می کنند، بین ۱۶ درصد تا ۱۷ درصد در نوسان است. در سال ۲۰۱۰، ۱۶/۴ درصد از ساکنان ۲۷ عضو اتحادیه اروپا از فقر و محرومیت رنج می بردند به طوری که میزان درآمد آن ها با ۶۰ درصد درآمد متوسط ملی، زیر خط فقر تلقی می شد. در میان کشورهای اروپایی، فقر در لتونی در بالاترین میزان قرار دارد. در سال ۲۰۱۰ این کشور بیش از ۲۱ درصد فقیر داشت تا این که امروز در اسپانیا، یونان و ایتالیا در این رده بندی بالاترین میزان مردم فقیر را رسید و به شورش ها و اعتراضات در این کشورها منجر شد.

طبق ارزیابی اتحادیه اروپا در جنوری سال ۲۰۱۲، در اروپا (۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا)، در حدود ۲۴ میلیون و ۳۲۵ هزار زن و مرد بی کار بوده اند که از این تعداد ۱۶ میلیون و ۹۲۵ هزار بی کار در اروپای غربی بوده است. این آمار در مقایسه با جنوری ۲۰۱۱، در سرتا سر اروپا در حدود ۱ میلیون و ۴۸۸ هزار و در اروپای غربی ۱ میلیون و ۲۲۱ هزار افزایش داشته است.

تازمترین آمار سازمان بین المللی کار پیش بینی کرده است که هفت میلیون نفر در سال ۲۰۱۳ به شمار بیکاران کنونی افزوده خواهد شد. گزارش جدید سازمان بین المللی کار (ILO) حاکی از آن است که در حالی که میلیون ها نفر در سراسر دنیا در معرض خطر بی کاری هستند، بحران یورو به نابودی مشاغل در دیگر قاره ها انجامیده و به یک ماشین نابود کننده شغل در دنیا تبدیل شده است.

طبق برآوردهای سازمان جهانی کار (ILO) بحران بدهی ها در سال ۲۰۱۳، هفت میلیون جایگاه شغلی را نابود خواهد کرد و به این ترتیب شمار بی کاران در دنیا به مرز ۲۰۷ میلیون نفر خواهد رسید.

از زمان بروز بحران مالی در دنیا تاکنون، ۳۰ میلیون جایگاه شغلی از دست رفته است در حالی که ثبات و امنیت شغلی برای شاغلان به همان نسبت کاهش یافته است.

گزارش سازمان بین المللی کار، می افزاید: درصد فقر در جهان رو به افزایش بوده و برآوردها نشان می دهد که نزدیک به ۹۰۰ میلیون زن و مرد در دنیا در فقر به سر می برند و با درآمد روزانه کم تر از ۵/۱ دلار در روز نمی توانند زندگی خود و خانواده هایشان را بالای خط فقر نگه دارند.

گای رایدر دبیر کل سازمان بین المللی کار (ILO) معتقد است که این فاجعه تنها در صورتی قابل پیشگیری است که دنیای سیاست به صورت آگاهانه اقداماتی را در جهت مقابله با آن انجام دهد.

وی، درباره اقدامات ریاضتی سخت گیرانه در برخی کشورهای منطقه یورو هوشدار داده و گفته است که چنین اقداماتی رکورد را تشدید کرده و به قیمت از دست رفتن شغل های بیشتری تمام می شود.

به گفته رایدر کشورهای ارجنتاین، استرالیا، برزیل، کانادا، چین، المان، کوریای جنوبی، روسیه و امریکا در تجمع گروه بیست که در اوایل سال جاری میلادی در مکزیک برگزار شد، متعهد شده اند که در صورت وخیم تر شدن اوضاع اقتصادی جهان، تدابیر لازم را اتخاذ کنند.

بر اساس آمار سازمان بین المللی کار، حدود یک سوم بی کاران، جوانان زیر ۲۵ سال هستند و این واقعیت تنها مربوط به کشورهای جهان سوم نیست، بلکه در کشورهای اروپایی نیز این مشکل وجود دارد چرا که وقتی جوانان بین ۱۶ تا ۲۵ سال هیچ شغلی پیدا نمی کنند اثرات فاجعه باری به دنبال دارد و نا آرامی های اجتماعی، گسترش خشونت، انزوای اجتماعی، اعتیاد و اعمال خلاف کارانه از جمله نتایج این معضل به شمار می رود.

توسعه بی کاری در اروپا نشان می دهد که اقتصادهای ملی و به دنبالش شرایط زندگی تحت شرایط رکود بزرگ قرار دارد و این رکود بزرگ تبدیل به یک بحران بزرگ شده است و همواره این شرایط به سرعت در حال پیشروی است. این مسأله خود قطبی شدن اجتماعی را در تمامی کشورهای اروپا قدرت بخشیده و فقر را مشخص تر نموده است.

بنا به تحلیل ها و گزارشات، ساکنان حاشیه نیشن های شهرهای سویدن به ویژه در استکهلم، گوتنبرگ و مالمو، بیش از دیگران از بی کاری و فقر رنج می برند. سویدن از سال ۱۹۹۰ دست به کاهش کمک های دولتی برای همه شهروندان زد. بنا به ارزیابی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در اروپا (OECD) اختلاف طبقاتی در سویدن در دو دهه گذشته به سرعت افزایش یافته است.

حدود ۱۵ درصد از جمعیت ۹/۵ میلیونی سویدن در خارج از این کشور به دنیا آمده اند. اما بیش تر این افراد از کشورهای همسایه به سویدن مهاجرت کرده و در ساختار اجتماعی و بازار کار این کشور جذب شده اند.

گتوهای مهاجرنشین یک واقعیت اجتماعی رسمی و غیرقابل انکار در جامعه سویدن است. به جای این که مشکلات و معضلات این مناطق مورد بحث و بررسی جامعه شناسان و تحلیل گران سیاسی و اجتماعی و هم چنین اتحادیه ها، انجمن ها، سازمان ها و احزاب، قرار گیرد، عمدتاً به عهده دستگاه پولیس سپرده شده است. در حالی که بخش عمده ساکنان این مناطق، با معضلاتی از قبیل سطح بالای بی کاری، سطح نازل درآمد، مدارس و امکانات و تفریحات کم برای کودکان و نوجوانان، سطح پائین خدمات عمومی و امکانات اجتماعی، تبعیض و تحقیر و توهین دست و پنجه نرم می کنند. این مسأله سبب شده است که برخی جوانان جذب آن ارگان ها و سازمان های هم زبان خودشان شوند که راه های نادرست و سیاست های غلط در مقابل آن ها قرار می دهند. دولت سویدن نیز بیشترین امکانات را در اختیار این ارگان ها و سازمان های ارتجاعی می گذارد. برای نمونه گسترش مدارس مذهبی و مساجد در سویدن. مکان هایی که بیشتر زمینه را برای جریان فاشیستی و تروریستی چون القاعده و دیگر گرایش های ارتجاعی مذهبی مساعد می سازند تا جوانان را شست و شوی مغزی دهند و به اعضای خود تبدیل نمایند. جوانی که چند سال پیش در سویدن دست به عملیات انتحاری زد و یا دو برادر جوانی که اخیر در امریکا، در میان مردم بمب منفجر کردند در این کشورها متولد و بزرگ شده اند. علاوه بر

مساجدی که مسئولان سوئدنی با آب و تاب آن‌ها را افتتاح کرده‌اند «مساجد زیرزمینی» بی‌شماری نیز در سوئد فعال‌اند. مساجدی که مکان‌های ناسالمی هستند و در گتوهای مهاجرنشین، جوانان را با افکار و ایدئولوژی ارتجاعی اسلامی بار می‌آورند و مانع تطابق آن‌ها در جامعه سوئد می‌شوند. اما مهم‌تر از همه فقر و نابرابری و تبعیض و بی‌کاری در این محلات است که احتمال شورش و ناراضی‌پوی و انواع آسیب‌های اجتماعی در آن‌جاها بالاست و عامل آن نیز دولت‌های سوئد است.

سوال این است که چرا باید «خارجی‌ها» در گتوها و حاشیه شهرها زندگی می‌کنند؟ چه سیاست‌هایی باعث شده‌اند که مهاجران به زندگی در این محلات روی بیاورند؟ چه سیاست‌ها و دست‌های پنهان و آشکاری، دیوار بلندی بین «سوئدنی‌ها» و «خارجی‌ها» کشیده‌اند؟

چرا باید حاشیه‌نشینان شهرهای سوئد، در خانه‌هایی با استانداردهای پائین‌تر در محلات فقیر، با نرخ بالای بی‌کاری و خدمات و رفاه عمومی زندگی کنند؟!

در این میان، متأسفانه طبقه کارگر سوئد و نیروهای برابری طلب و سوسیالیست در مقابل این سیاست‌های راسیستی و نژادپرستی دولت و پولیس سوئد، بیش‌تر نظاره‌گر هستند و عکس‌العمل جدی از خود نشان نداده‌اند.

درگیری‌های خیابانی در مناطق مهاجرنشین شهرهای استکهلم، یوتبری و مالمو، به هر بهانه‌ای که آغاز شده‌اند، اساساً ریشه در تبعیض و نابرابری و بی‌کاری و فقر دارد. بیش از نیمی از ساکنان حاشیه‌نشین شهرهای بزرگ سوئد را جوانان زیر بیست سال تشکیل می‌دهند. اغلب آن‌ها متولد سوئد هستند. در این میان، هر چند پدر و مادر در مقابل رفتار و اعمال و زندگی و سرنوشت فرزندان‌شان مسؤول‌اند اما سرنوشت و آینده بهتر برای این جوانان به عهده جامعه و دولت است نه والدینی که آشنائی چندانی نیز به این جامعه ندارند. باید سیاست‌های تبعیض‌آمیز و به شدت طبقاتی و ناسالم احزاب و دولت را مورد نقد قرار داد و به آن‌ها اعتراض نمود. باید گتوها را از بین برد و دیوارهای بلندی که در طول دهه‌های اخیر بین «داخلی‌ها» و «خارجی‌ها» به وجود آورده‌اند فرو ریخته شوند تا همه شهروندان به آن امکانات برابر و یک‌سان دسترسی پیدا کنند تا از یک سو گرایش‌های خرافی و ارتجاعی و راست و راسیستی و فاشیستی نتواند از جوانان، به ویژه از جوانان خارجی تبار یارگیری کنند و از سوی دیگر، انرژی و ابتکار و خلاقیت‌های آن‌ها در مسیر سالم و آگاه برابری طلبانه و آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه حرکت کند.

یکشنبه پنجم خرداد [جوزا] ۱۳۹۲ - بیست و ششم می ۲۰۱۳